info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۵۵
سه‌شنبه / ۱۵ بهمن / ۱۳۹۸
۹/ جمادی الثانی / ۱۴۴۱
04 / Feb/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

آسمانی برای من و تو

آسمانی برای من و تو
وتجسدی از ابرها
در قالبی تیره در غروب
مایازمانده گان
تاریخ حمله های بی رحمیم
اما هنوز زنده ایم
دچار تصویری مبهم از
دوست داشتن و دوست داشته شدن
ما در انتظار نشسته ایم
چشم ها به صورت یکدیگر دوخته ایم
اما هم را نمی بینیم
و مردمکان ما پر از سیاهی نامتناهی سکوت
تنها صبر می کنیم
تا لحظه ای برای درک آتش یک بوسه
فرابرسد
ما لبمان از قلب هایمان لبریز
و امید در رگ هایمان فوران می کند
ومیدانیم
که یکدیگر را دوست می داریم
و این تنها رسالت انسان بودن ماست
انسانی که منم و انسانی که تو نام گرفته است
آری، این تنها رسالت ماست

بهروز رحیمی

یادداشت

جایزه پژوهشی تهران به کمک سیاستگذاران می آید

ششمین جشنواره پژوهشی جایزه تهران با هدف تجلیل و تقدیر از تهران‌پژوهان روز دوشنبه ۱۴ بهمن ماه ساعت ۱۶ در موزه ملی ایران با حضور استانداران تهران پژوهان، اهالی فرهنگ، هنر و اصحاب رسانه، اعضای شورای اسلامی شهر تهران و دیگر مسئولان برگزار می‌شود.

ششمین جشنواره پژوهشی جایزه تهران با موضوع‌های اجتماعی، فرهنگی، هنری، تاریخی، میراث فرهنگی، محیط زیست و... با هدف گرامیداشت وقدردانی از بزرگان و مفاخر و مشاهیر کشور در عرصه تهران‌پژوهی برگزار می‌شود.

این جشنواره از سال ۹۲ آغاز به کار کرد. در ابتدا به استادانی چون عبدالله انوار، خانواده کریمان و ناصر تکمیل همایون جایزه داده شد که همگی از استادان تراز اول حوزه تهران‌پژوهی هستند. اما در سال‌های بعد این جایزه به کسانی تعلق گرفت که طی یک سال توانسته‌اند در رشته‌های کتابه، پایان‌نامه، فیلم، تئاتر، عکس، خبر، رساله و انتشارات، در خصوص مباحث جدید تهران، پژوهش تازه‌ای ارائه کنند و فعالیت شان به مطالعات و شناخت تهران کمک کرده باشد.

یک رشته هم به‌نام پیشکسوتان درنظر گرفته‌ایم. در حقیقت هر کدام با رشته خاص خودشان خدماتی دارند. آن کسی که کتاب می‌نویسد به پژوهش تهران‌شناسی کمک کرده است. اینکه تفنن تهران چیست؟ و چرا پایتخت کشور شده است؟ یا اینکه دروازه‌های قدیمی تهران یا دیوارهای قدیمی‌اش کجا هستند؟

برخی پایان‌نامه‌ها هم بسیار مهم هستند چرا که دانشجو یکسال پژوهش و تحقیق در خصوص مشکلات و معضلات تهران کرده است. مثلاً در مورد بسامانه‌ها و محیط زیست و زباله‌های تهران که اتفاقاً بخشی آسیب شناسی شده بوده و برای رفع مشکل راهکار داده بودند.

این جشنواره در حقیقت باعث می‌شود که ایتها به مسئولان شهری معرفی شوند و آنها با نظرات و تحقیقات آکادمی می‌توانند راحتتر به مشکلات شهری رسیدگی کنند. بخصوص شهرداری ها که معمولاً هم از سوی آنها با استقبال روبه‌رو می‌شود.

در ۱۰ سال اخیر که تهران‌پژوهی به‌صورت جدی پی گرفته می‌شود. اتفاقات تازه‌ای در حال وقوع است که یکی از این موارد جایزه تهران است. ما سال گذشته ۷۰ کتاب راجع به تهران به دستمان رسید.

در حالی که در سال‌های قبل این مقدار اثر در کار نبود. حتی فیلم‌هایی ساخته شد و اکنون در بخش مستند جشنواره فیلم فجر هم به نمایش داده می‌شوند. فیلم مستند بلند «زمستان است» به کارگردانی مهرداد زاهدیان محله لاله‌زار را بررسی کرده است. تاریخچه لاله‌زار است و آسیب‌ها و مشکلاتش را بررسی کرده است برای مبتنا شهرداری هم در حال برنامه‌ریزی است. این خیابان در زمان خودش از اهمیت بالایی برخوردار بوده است؛ از خانه‌هایش گرفته تا سینماهایش. بنابراین، این تحقیقات کمک بزرگی است برای سیاستگذاران عرصه شهری.

مهرشاد کاظمی
تهران‌پژوه و دبیر جشنواره

امروز با حافظ

به داغ بندگی مردن بر این د
به جان او که از ملک جهان به
خدا را از سر خود من بپرسید
که آخر کی شود این ناتوان به

خوانش

عقل پرسید که
دشوار تر از کشتن چیست؟
عشق فرمود
فراق از همه دشوار تر است

فروغی بسطامی

اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب
۰۵:۳۹ | ۰۷:۰۷ | ۱۲:۲۱ | ۱۷:۳۵ | ۱۷:۵۳

برگه

مراقب باشید چیزهایی را که دوست دارید به دست آورید و گرنه ناچار خواهید بود چیزهایی را که به دست آورده‌اید دوست داشته باشید.

جرج برنارد شاو

تلنگر

کولبر دیگری جان داد...

برای زنده‌ماندن جنگیدند! آنها برای تان با جان معامله می کنند! همان ۲۴ نفر. در آن سرمای استخوان سوز کولبران سقزی به خانه برگشتند جز عثمان: کولبری که دل به کوره‌راه‌های پرپیچ و خم زد تا با دستمزد ۳۰۰ هزار تومانی شکم خانواده پنج‌نفرش را سیر کند. اما تاب و توانش کمتر از قدرت سرما و کولاک بود. مرد ۵۵ ساله در آن گروه بیست‌وسه نفره کولبران، تنها قربانی بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهروند، ظهر روز شنبه خبر تایید شدن چند نفر از اهالی سقز منتشر شد تیم بیست‌وسه نفره کولبران سقزی پس از ورود به خاک ایران، گرفتار کولاک شدند و کسی از آنان خبری نداشت. تیم‌های امداد و تجات هلال احمر کردستان ماموریت خود را آغاز کردند. تیم‌های تخصصی هلال احمر استان به حالت آماده‌باش در آمدند و هماهنگی‌های لازم با مرکز در راستای آمادگی و استفاده از بالگرد امداد و تجات برای جست‌وجوی مفقودان انجام شد. تیم‌های امداد و تجات کوهستان شهرستان‌های سقز و بانه آماده اعزام به محل حادثه شدند و تیم تخصصی امداد و تجات شهرستان دیواندره تیز به‌عنوان تیم پشتیبان در شهرستان سقز مستقر شد تا در صورت نیاز به محل حادثه اعزام شود. در ابتدا فردی که با هلال احمر تماس گرفته بود، از تبدید شدن ۲۴ نفر خبر داد. دو ساعت بعد خبر رسید ۲۱ نفر از این کولبران صحیح و سالم پیدا شده‌اند. اما از سرنوشت دو نفر دیگر خبری نبود. به همین دلیل امدادگران دست از ماموریت برنداشتند.

تلاش‌ها ادامه داشت تا اینکه خبر سلامتی آن دو کولبر گمشده تیز رسید. کسی تصورش را هم نمی‌کرد که این ماجرا تلخ تمام شود و عثمان قربانی شود. برف و کولاک چندین ساعت پیاده‌روی، شب سخت در روستایی خالی و در تهایت عبور از رودخانه سرد، این مرد میانسال را از پا درآورد. عطاالله همان کسی بود که پس از تبدید شدن ۲۴ نفر به استان و برادرش هلال احمر را در جریان ماجرا قرار داده بود. خودش پا به پای امدادگران می‌رفت و گروه گروه کولبران را به روستا می‌رساند. هر لحظه با آنان در ارتباط بود. موقعیت جغرافیایی شان را به امدادگران اطلاع می‌داد. تمام جزییات این ماجرا را برای خبرنگار «شهروند» روایت می‌کرد. تا عصر روز شنبه عطاالله خوشحال بود. با شادی از اینکه همه کولبران تجات پیدا کرده‌اند. حرف می‌زد اما صبح روز یکشنبه دیگر توانی برای صحبت کردن نداشت. صدایش بوی تلم گرفته بود. عثمان برادرش بود که در این حادثه جان داد. عطاالله تنها کسی بود که در این ماجرا دلقدار شد. «اصلا فکرش را هم نمی‌کردم که برادرم را از دست بدهم. وقتی شنیدم همه آنان صحیح و سلامت هستند خیلی خوشحال شدم. تا عصر، مرتب پیگیر بودم. تگران آن دو گمشده بودم. اما تا اینکه خبر رسید به خاک برگشته‌اند. اما نزدیک ساعت ۸ شب برادرانم با من تماس گرفت و گفت که عثمان حالش خیلی بد است. آنان پشت روستای مام سیف‌الدین بودند. بلافاصله با اهالی محل خودمان را به آنجا رساندیم. به هلال احمر هم اطلاع دادم. اما دیگر دیر شده بود. وقتی رسیدم برای برادرم آتش روشن کرده بودند. اما سرما امانش نداد؛ جان باخت.» عطاالله تا صبح بالای سر جسد برادرش بود. عثمان که از راه رودخانه میآمد رفته بود. از سرما یخ زده و حتی آتش هم نتوانست جان سرمازده‌اش را گرم کند. «کسی برسر ما مجبور بودند از رودخانه برودند. بقیه هم رفته بودند، ولی برادرم جان باخت. عثمان سه پسر و دو دختر دارد. یکی از پسرانش مجرد است. بقیه ازدواج کرده‌اند. ما در کل سه برادر و سه خواهر بودیم. پدر و مادرم هم که فوت کرده‌اند در خانواده ما فقط من و برادرم کولبری می‌کردیم؛ مجبور بودیم. در هر سفر ۷۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان به ما دستمزد می‌دادند. برادرم در ساختمان و باغ کارگری هم می‌کرد. درواقع با کارگری هزینه تن و بچه‌هایش را تأمین می‌کرد. چون خودش را بیمه کرده بود. هرچه از کولبری به دست می‌آورد هزینه بیمه می‌داد. تقریبا همه‌ما یکبار به سقر می‌رفت. ۱۰ سال بود که کولبری می‌کرد. او مرد پرتوانی بود. هرچه کار می‌کرد خسته نمی‌شد. اما در این سفر نتوانست دوام بیاورد و جان باخت. یکبر برادرم به پزشکی قانونی منتقل شد و قرار است همین روز یکشنبه او را تشییع کنیم.»

گزارش

صیانت از محتوای فارسی در فضای مجازی

نشست تخصصی صیانت از زبان و ادبیات فارسی در فضای مجازی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات جهان در روز اول بهمن ماه ۱۳۹۸ در دانشکده مطالعات برگزار شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی دانشکده مطالعات جهان این نشست که به سخنرانی مهندس سید جمال هادیان طباتی زواره اختصاص داشت به موضوع وضعیت زبان فارسی در فضای مجازی پرداخت وی صحبت‌های خود را این چنین آغاز کرد.

اولین نکته ای که در مورد زبان فارسی می توان گفت این است که زبان فارسی گوهر ارزشمند و یا مرواریدی گرانبها نبوده که در یک همیان به ما به ارث رسیده باشد. زیرا که این میراث با گذشت سه هزار سال به صورت کنونی به ما رسیده است. غنای این گوهر در سده‌های اولیه هجری در ادامه دوره زبان فارسی پهلوی بود. پیش از این، جهت داستان سرایی، سخن گفتن و در شعر کاربرد فراوان داشت و برای تالیف مطالب علمی مورد استفاده قرار نمی گرفت.

شاید عصر حاضر، یکی از بهترین دوران زبان فارسی باشد. بعد از اسلام در نیمه قرن دوم، دانش در کشور ما شکل گرفت و دانشمندان و بزرگانی همچون ابوریحان بیرونی، بو علی سینا، فخر رازی که تمامی آثار خود را تا به آن زمان به عربی تالیف می کردند در کنار معارف عربی، قرآن و معارف اسلامی و تولیداتی که در حوزه فارسی انجام می شد. به تدریج زبان فارسی پیشرفت کرد. دلیل اینکه تا آن زمان زبان فارسی را بیگانگر نمی بردند این بود که زبان فارسی نسبت به زبان عربی دارای ساخت و بافت کمتری بود و زبان فارسی نیاز به توضیحات بیشتری داشت. قردومی در حفظ و توسعه زبان فارسی پیشگام بود. دیگر بزرگانی همچون کسایی مروزی و رودکی نیز در تداوم زبان فارسی کوشیدند. بالاخره زبان فارسی وارد عرصه تولید ادبیات، شعر و نثر شد. کم کم ما به رویاگر شکوفایی زبان فارسی رسیدیم و آرایه‌های سجع، جناس، مراعات نظیر و... به شعر فارسی اضافه گردید. و زبان فارسی علاوه بر شعر و ادبیات به زبان علم نیز تعالی یافت.

با توجه به اینکه زبان فارسی در هر دوره ای دستخوش تغییر شده است. لذا در حال حاضر زبان فارسی در تقابل با فضای مجازی نیز در حال تغییر است. دلایل این تغییرات را می توان چنین برشمرد: برخی واژه‌ها و ساختارهای غیر فارسی از کشورهای هجوار وارد زبان فارسی شده است. بعضی از اصطلاحات و ترکیبات به تدریج وارد زبان فارسی شده است که در اصطلاح به آن گرته برداری می‌گویند.

بسیاری از نهضت‌های گرته برداری باعث غنای زبان فارسی شده‌اند. یکی دیگر از تغییر و تحولات به دلیل واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است.

سوالی مطرح می‌شود که چرا زبان در حال تغییر است؟

زبان اگر تغییر نکند، اگر ساکن بماند، زنده و پویا نیست و باید تغییر کند. در دو دهه اخیر که فضای مجازی وارد همه عرصه‌های زندگی شده، ما ناخواسته با یک جهش وارد این فضا شده ایم و این در حالی است که آمادگی کافی برای ورود به این فضا را هر تغییر و تحولی در جامعه می بایست دهه ها و صده ها را پشت سر بگذارد ما زبان فارسی را با توجه به این قضا بروز رسانی نکردیم و هنوز قواعد فرهنگ نویسی در زبان فارسی قواعد کاملی نیست. شاید عده ای عنوان کنند که ما فرهنگ معین و دهخدا را داریم. خیر! اینها فرهنگ‌های مرجع است. چه بسا اینکه در مورد ریشه شناسی، فرهنگ، متقن و کاملی نداریم.

ورود ما به فضای مجازی مستلزم داشتن منبع، مرجع ، قواعد، برنامه و روش و چارچوب‌های نظاری است که ما از آن بی بهره ایم. ما وارد یک فضای لایتناهی با انبوهی از اطلاعات شده ایم که قوانین حضور در آن را نمی دانیم در اینجاست که نباید توقع داشت همه چیز درست است.

براساس آمار زبان فارسی، دهمین زبان پر کاربرد در وب گاه ها است. حدود ۱.۸ درصد از تمام وبلاگ‌های دنیا به زبان فارسی است که نسبت به سال ۲۰۱۱ بیش از ۳ برابر شده است. شاید این سوال پیش آید که چرا با توجه به غنای زبان فارسی و پشتوانه فرهنگی، علاقمندان، ظرفیت‌های محتوای فارسی و با توجه به اینکه ۱۲۰ میلیون نفر در ۱۰ کشور دنیا به زبان فارسی صحبت می کنند. آمار وبگاه ها ۱۸ درصد است؟

آنچه مسلم است نسبت به جمعیت فارسی زبان، خیلی هم دور از انتظار نیست اما همان طوری که شما متقدیدمن هم معتقدم این حس نامبوتالیستی ما در مورد زبان است. محتوای زبان فارسی فقط شعر و ادبیات خیر و گزارش هم نیست. بلکه بقیه بخش ها هم اند. فیلم و سریال، بازی و اپلیکیشن ها را نیز در می گیرد هم در محتوا نسبت به پیشینه زبان فارسی و تولیداتی که داشته‌ایم بسیار ضعیف هستیم و نیاز به نهضت تولید محتوا داریم تا از این قرصتی که فضای مجازی در اختیار ما قرار داده استفاده کنیم.

پدیده‌ای در فضای مجازی وجود دارد به نام وب سری یا سریال‌های اینترنتی بخش عمده‌ای از محتوای فضای مجازی را امروز در دنیا وب سری ها تشکیل می‌دهند. از ۳۰ ثانیه تا یک ساعت هر قسمت و به مدت نامحدود می توان وب سری را تولید کرد.

بحث وب سری ها ۱۵ تا ۲۰ سال می گذرد که در جمهوری اسلامی ایران هم مطرح شده است. و ما نیز در وزارت ارتباطات در این خصوص اقداماتی انجام داده ایم برای تولید وب سری در مورد کودکان در اول راه هستیم و ظرفیت‌های خیلی زیادی وجود دارد بخشی از خلاء را شاید بتوان توسط هنرمندانی که در رشته‌های مختلف کار می کنند. با تغییرات و ایجاد تناسبات در آثارشان برای تبدیل شدن به وب سری هایی در حوزه‌های آموزشی سرگرمی و سایر حوزه‌ها انجام دهند.

بسیاری از کاربران فضای مجازی بویژه کودکان و نوجوانان امروز، از محتوایی استفاده می کنند که مربوطه ما یا متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی ما نیستند. اما ما در این باره ابراز وحشت می کنیم و این در حالی است که هیچ وقت نمی‌شود خیر کثیر را به خاطر شرّ قلیل، تعطیل کرد به هر حال کودکان، دانشجویان و مردم را نمی توان از این قضا دور نگاه داشت و بایست از محتواهای مجاز استفاده کنند. این فضای مجازی نیست که ایراد دارد. زیرا این ما هستیم که ایراد داریم.

سؤالی که پیش می آید این است که آیا باید نگران بود؟

باید مرد زبان فارسی در فضای مجازی باید نگران بود ولی در نگرانی نباید غلو کرد. به دو دلیل که: ۱- زمان در حال تغییر و تحول و زبان نیز به تبع دچار تغییر و تحول می شود. ۲- بوجود آمدن گونه‌های تازه‌ای از زبان السنگ گونه‌هایی که در حال حاضر همانند طیف سنی بین یازده تا بیست و پنج سال که بیشترین کاربران فضای مجازی هستند استفاده می کنند نوع بیان، نوع حرف زدن و رعایت نکردن ترتیب از کان جمله واژه‌های خودساخته نشانه است. مایلند آموزش‌های حداقلی هم برای گروه‌های مختلف داشته‌باشیم.

ما نباید خدمات بسیار زیاد فضای مجازی به زبان فارسی را در برابر ملاحظات کم نادیده بگیریم و کاربران به ویژه کودکان را از این قضا محروم کنیم.

چه راهکارهای حداقلی برای صیانت از محتوای فارسی در فضای مجازی وجود دارد؟

برنامه‌ریزی زبان فارسی یک نیاز ملی است. به دلیل حفظ و ارتقای زبان و خط فارسی در فضای مجازی تولید مدیریت وبکارگیری محتوا مادر محتوا بسیار ضعیف هستیم و علت نیز مدعیان تولید محتوا هستند. بالاخره شبکه جهانی اینترنت وجود دارد و در مقابل در کشور ما شبکه ملی اطلاعات وجود دارد. مفهوم دوست شبکه ملی اطلاعات این است که شبکه‌ای است که ارتباطات ما را به شبکه جهانی اینترنت به خوبی برقرار می کند. در حالی که سه لایه وجود دارد یک لایه زیرساخت فنی قیبر نوری، رک ها، سرورها. یک لایه وجود دارد. لایه خدمات. لایه ای است که در حال حاضر ما از آن استفاده می کنیم. وقتی می خواهیم به مسافرت از زن برویم، از اپلیکیشن های مسیریاب استفاده می کنیم از تاکسی های اینترنتی استفاده می کنیم از قروشگاه اینترنتی استفاده می کنیم.

برای خدمات شبکه ملی اطلاعات ارائه شده است و اگر یکی از سرور آن ها در خارج از کشور با توجه به وابستگی آن به شبکه جهانی اینترنت در مواقع بحران ممکن که قطع شود و این امکان وجود دارد که مشتریان آن ریزش پیدا کند. پس خوب است که به شبکه ملی اطلاعات تکیه کنیم. بخش مهم شبکه ملی اطلاعات همان بخش محتوایت همانی که ما امروز درباره آن صحبت می کنیم و زبان ادبیات فارسی و خط فارسی و ابراز نارحتی می کنیم که دچار ضعف شده است.

تدوین شیوه‌نامه‌های ویرایشی و نگارشی اختصاصی برای ناشران الکترونیک و رسانه‌ها یکی از کارهایی که ما در مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات انجام داده ایم. اولین گام برای استانداردسازی برخی از حروف بود که نتیجه‌اش طراحی و عرضه یک مجموعه حروفی به نام قونت قناوری است که آقای استاد مسعود سپهر طراحی کردند. همچنین کار گروهی شکل شد که برخی از قونت‌های متناسب با دیوایس‌های مختلف را استاندارد سازی کنیم و سپس مناگره با تولیدکنندگان سخت‌افزار به‌عنوان پیش‌قرض انجام شود و بالاخره زبان فارسی هم رسم‌الخط پیش‌فرض شده واحدهای بین‌المللی داشته باشد. دیگر راه کارها کوتاه نوشتن است. از ویژگی‌های ما ایرانی‌ها به مراتا گفتن و نوشتن است به هم چسباندن واژه‌های نامربوط. استفاده از جملات مفهم و به هم ریختن ترتیب از کان جمله به کوتاه‌نویسی عادت نکرده‌ایم یا قواعد کوتاه‌نویسی را یادنگرفته ایم. عجله نویسی از ویژگی‌های فضای مجازی است و کاربران ممکن است در هنگام نوشتن غلط‌های نگارشی داشته‌باشند.

امروزه استقبال از زبان عامیانه متداول شده است و هر چه جلوتر می رویم بویژه درفضای مجازی و کاربران آن که معمولا جوان هستند. با زبان عامیانه که بیشترین کاربران فضای مجازی هستند استفاده می کنند نوع بیان، نوع حرف زدن و رعایت نکردن ترتیب از کان جمله واژه‌های خودساخته نشانه است. مایلند آموزش‌های حداقلی هم برای گروه‌های مختلف داشته‌باشیم.

ما نباید خدمات بسیار زیاد فضای مجازی به زبان فارسی را در برابر ملاحظات کم نادیده بگیریم و کاربران به ویژه کودکان را از این قضا محروم کنیم.

چه راهکارهای حداقلی برای صیانت از محتوای فارسی در فضای مجازی وجود دارد؟

رعایت ترتیب از کان جمله این اولین آموزشی است که در کلاس اول ابتدایی به ما می‌دهند. گروهی از مردم در جامعه نادانسته از کلمات در جمله استفاده می کنند. بعضی از گرته برداری ها موجب کوتاه نویسی می‌شود. ما نمی توانیم هر طور که بخواهیم از کلمات استفاده کنیم. استفاده معمول از نشانه‌های سجاوندی در حد معقول مثل نقطه و نوشته پرانتز گیومه و نشانه‌های برجسته‌سازی که شامل تیرخط دار گیومه پرانتز و شیوه‌های خاصی دارد و نیاز به آموزش ها و تکرار دارد.

امیدوارم که زبان فارسی به‌عنوان بخشی از میراث ارزشمند کشور عزیزمان ایران همیشه پایدار بماند و قطعاً پایدار خواهد بود و در حفظش افراط تفریط نکنیم مسلما با تلاش ما و همه ایرانیان زبان حفظ خواهد شد. راهش ادامه پیدا خواهد کرد و مرتب تغییر پیدا خواهد کرد و به غنا هم خواهد رسید.

بریده جراید

تراژدی عشق

ایران: اسماعیل علوی- متیزه لشکری، بانوی «روزهای بی‌آیینه» از بی ۱۰ سال فراق دوباره به همسر شهیدش، خلبان آزاده حسین لشکری پیوست. هم او که به بانوی صبر و بردباری شهره بود، پس از ۱۸ سال صبوری قهمگنانه به استقبال شوهر خود که از سفر اسارت می‌آمد شتافت و قبل از آنکه تمام رتج سال‌های تنهایی را با او در میان بگذارد، تابلوانه پیکر بی‌جانش را برای سفری ابدی بدرقه نمود اینک او نیز به ساحل ابدیت کوچ کرده تا تراژدی «حسین» و «متیزه» را بیش از پیش در صفحه یادها را یابد.

از زندگی مشترک این زوج جوان دو بهار بیشتر نگذشته بود که حسین لشکری، در مأموریتی مرزی چند روز قبل از آغاز حمله سراسری عراق به کشورمان، هواپیمایش مورد اصابت قرار گرفته و سقوط می‌کند. در نتیجه آن وی به اسارت دشمن درمی‌آید و رژیم بعثی عراق، هیچ ردی از او و هواپیمایش نشان نمی‌دهد تا گمانه‌ها بیشتر حول و حوش شهادت وی شکل گیرد. متیزه اما به سوسوی تو امیدی که عمق وجودش را روشنی بخشیده دل می‌بندد و به‌همراه «علی» یادگار زندگی مشترک با همسرش، چشم به راه بازگشت مسافر خود می‌نشیند. اودرعین جوانی، تاجرانۀ مهد دار شدن نقشی سترگ می‌شود و با صبوری مسیر حرکت به سوی آینده را هموار می‌سازد. تیرویی از درون او را به اقلیم‌های رویه رو فرامی خواند و تصویر شریک زندگی اش را در قلب خیال جای داده و به انتظار بازگشت شوهرش می‌نشیند. تیروی امید او را وامی دارد تا سالی یک بار جلوی دوربین بایستد و عکسی به یادگار از خود بگیرد و در آلبوم خانوادگی جای داده و شرحی بر آن بنویسد تا وقتی حسین آمد، سال های تبودنش را با بودن در یادها تتان دهد.

در آن سوی اما «حسین لشکری» خلبان جنگنده اف-۵ که در یکی ازمأموریت‌های گشت مرزی هواپیمایش مورد اصابت قرار گرفته و به اسارت دشمن درآمده است به‌دلیل آنکه چند روز قبل از آغاز جنگ اسیر شده و به تصور بعثیان می‌تواند سندی برای ادعای پوچ آغازگری ایران درجنگ محسوب شود. زنده اما مخفی نگاه داشته می‌شود تا همچون برگ برنده‌ای در بزنگاه نیاز روتمایی شود. از این رو او از لحظه اسارت، ۱۴ سال زندگی طاقت فرسایی را در سلول انفرادی تجربه می‌کند و بجز تعداد معدودی از افسران استخبارات و سران رژیم بعث عراق کسی از او خبری ندارد و ۱۴ سال با عنوان مفقودالاثر و مجهول الحال باقی می‌ماند. در این مدت با شکنجه‌های مختلف سعی می‌کنند او را حاضر به همکاری در پیشبرد ستایرهای خود کنند. پس از ۱۴ سال در پی تحولات متعطفه‌ای در آستانه جنگ خلیج فارس، رژیم بعث عراق حاضر به تبادل شده و دخستین تامه حسین لشکری در چند جمله به‌همراه عکسی از او به دست همسرش می‌رسد.

از این پس انتظاربرای متیزه رنگ دیگری به خود می‌گیرد و دلتنگی‌ها و دلشوره‌هایش بیشتر می‌شوند. طوری که رتجهای چهار ساله‌این دوره، از چشم انتظاری و بلاتکلیفی چهارده سال مفقودالاثری همسرش بیتی می‌گیرند. حقیقتا تصور این همه صبوری و درک حال و روز زتی جوان با شرایط متیزه لشکری، درفاصله ۱۹ تا ۳۷ سالگی که دوران شکوفایی احساسات یک زن است. دشوار می‌باشد و درکی عمیق می‌طلبد. تا بتوان به ژرفای آن پی برد. کاری که گلستان جعفریان با اثر ماندگار خود «روزهای بی‌آیینه» از عهده آن برآمده و با عنرمندی به عمق لایه‌های شخصیت «متیزه» نفوذ کرده و یافته‌های خود را با جسارتی کم تظیر به قالم آورده است. از این منظر او نه تنها یک رواینگار تاریخ شفاهی و مستندنگار، بلکه رواننگاوی ماهر است که دست به خلق شاهکاری بزرگ زده و ظرایف دیده نتدتنی درون یک انسان را به طوری استادانه به معرض تماشا آورده است. جعفریان همچون نقاشی چیره دست، تصویری از احساسات یک زن را به دست داده و با عبور از لایه‌های سطحی و دم دستی به عمق شخصیت او دست یافته است. در این میان ارزش‌های وجودی و صداقت ناتی سوژه را تیز تمی‌توان نادیده گرفت.

متیزه لشکری با صراحت و صداقتی کم تظیر به بیان احساسات زنانه خود پرداخته و از ریا کاری فاصله گرفته است. از این رو شاید بتوان گفت این کتاب درنتیجه تعامل ورابطه‌ای دو طرفه میان مؤلف و سوژه در ردیف آثار کم تظیر قرار گرفته است. اثر، بدون اینکه خواننده را معطل و سرگرم حاشیه‌های تودرتو کند، سرراست بر سر اصل موضوع رفته و به بیان حقایق پرداخته است. شاید همین ویژگی موجب شده تا از همان سطرهای اول میان خواننده و شخصیت اصلی کتاب، ارتباطی عاطفی برقرار شود و ذهن و جان مخاطب را سرشار از درکی شبیه کشف و شهود نماید. تا آنجا که وقتی خواننده کتاب را تمام می‌کند، هنوز ذهنتش درگیر ماجراهای شخصیت آن است و تسبت به کسانی با وضعیت مشابه او تگاه متفاوتی پیدا می‌کند. در «روزهای بی‌آیینه» اتحاد روحی عمیقی میان مؤلف و سوژه برقرار است. همین اتحاد سبب شده تا ابعاد مختلف یک تراژدی عاشقانه شکل گیرد. حسین و متیزه زندگی عاشقانه‌ای را آغاز می‌کنند. پس از دوسال بر اثر اسارت «حسین» هریک در تنهایی این عشق را در وجود خود استمرار می‌دهند اما تلقی درستی از یکدیگر ندارند.

تا اینکه وقتی حسین پس از ۱۸ سال به خانه برمی‌گردد، آن کسی نیست که متیزه آن همه سال در انتظارش بوده و حسین تیز با به زبان آوردن این جمله که حقوق نداشتم ازدواج نکرده باشی، «تتمل می‌دهد شناخت عمیقی از همسرش ندارد. بدین ترتیب با بازگشت حسین مرحله جدیدی در زندگی این دو به وجود می‌آید که بیانگر پیچیدگی‌های درون انسان است. «حسین» پس از بازگشت از اسارت بسیار کم‌حرف و تودار شده و قادر تیست احساسات و درونیات خود را بروز دهد. بنابراین تطبیق‌پذیری او با زندگی جدید بعد از ۱۸ سال زندگی در سلول با چالش‌هایی مواجه است. متیزه ابتدا از سر دلسوزی تسبت به کسی که از جهت روحی متحمل آسیب‌های بسیاری شده و آن فرد تیزبفر تنها فرازتش است، سعی می‌کند ظرفیت‌های سازگاری خود با شرایط جدید را افزایش دهد. «حسین» هم متقابلاً سعی دارد تا کدورت‌های دوران اسارت را از خود دور کند و عشقی که توئسته بود او را در سال‌های سخت اسارت حفظ و زنده نگاه دارد را بروز دهد. پس از مدتی شمله عشق مجدداً در وجود هردو جان می‌گیرد و به محیط زندگی گرمایی می‌بخشد وطعم زندگی را عوض می‌کند. جعفریان در اثر خود نقش عشق در ساختن زندگی و حفظ آن در سخت‌ترین شرایط را به خوبی آموزش می‌دهد و در مستندی روایی و با مهارتی ستودنی به کشف راز و رمز هستی که همان اکسیر عشق است می‌پردازد.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۹۸۰۲۶۰۰۶۰۰